

زیر از پیامبر خدا (ص) پاسداری می‌کردند. تا جایی که در اثر این مجاهدت یکی از انگشتانش بی حس شد. در غزوه تبوک فرمانده مینه سپاه اسلام بود.

در دوره خلافت ابوبکر مدعی ریاست و خلافت بود. در شورای شش نفره جانشینی عمر به نفع عثمان رأی داد. طلحه در اثر بذل و بخشش‌های عثمان، ثروت فراوانی اندوخت و جزء بزرگترین سرمایه‌داران و ملاکین صدر اسلام درآمد. تقریباً تمام سیره نویسان به مال و املاک و خانه‌های او در شهرهای مختلف اشاره کرده‌اند. از سرسخت‌ترین مخالفان عثمان بود، با توجه به پیشینه خود و عموزاده بودن با ابوبکر، اطمینان داشت که خلافت نصیب او خواهد شد، لذا مردم را علیه عثمان تحریک می‌کرد و در قتل او نقش بسیار مؤثری داشت ابن ابی الحدید نقل می‌کند در زمان محاصره عثمان هر چه علی (ع) از او خواست تا دست از عثمان بردارد، نپذیرفت و گفت تا زمانی که افراد بنی امیه را مجازات نکنند ممکن نیست وی را رها کند.

طلحه اولین کسی بود که با علی (ع) بیعت کرد. منابع اولیه و اصیل بیعت وی و همفکرش زیر را از روی اختیار و برای دستیابی به مطامع سیاسی عنوان کرده‌اند. از حضرت علی (ع) نقل است که به طلحه فرمود: تو اول کسی بودی که با من بیعت کردی سپس آن را شکستی. عدالت اقتصادی و مساوات امام در تقسیم بیت المال و عدم واگذاری نقش سیاسی ممتاز بر آن دو، «طلحه و زیر» را از جمله عوامل ناراضیتی و نهایتاً پیمان شکنی آنها می‌دانند. همچنین حزب اموی از جمله نامه‌های تحسین‌انگیز و تعریف گونه که معاویه برای این دومی نوشت، زمینه را برای نقض پیمان با حضرت آماده‌تر می‌کرد. سرانجام طلحه و زیر نزد امام علی (ع) رفتند و اجازه خواستند تا عمره بگذارند. حضرت با پی بردن به مکریشان، از آنان خواست تا سوگند خورند، تا کار مسلمانان را بر وی تباه نسازند، بیعت نشکنند و در هیچ فتنه‌ای شرکت نکنند و آن دو نیز سوگند خوردند. آنان که دریافته بودند ام المؤمنین عایشه در مکه مردم را به خونخواهی عثمان برمی‌انگیزد، به مکه رفتند و به عایشه پیوستند و با همکاری کارگزاران عثمان با اموالی که از بیت المال برداشته و از ترس امام علی (ع) و یاران وی به مکه گریخته و در صدد فتنه و آشوب بودند، نیروهای متضاد را که از سوی طلحه و زیر و عایشه و از سوی دیگر حزب اموی بودند، را تشکیل دادند که به نیروی ناکشین معروف شدند. آنان پس از گردآوری مال و سپاه به سوی بصره روان شدند تا با تصرف این شهر کار را به حضرت علی (ع) سخت‌تر کنند. طبری درباره دوگانگی این نیروها می‌آورد که سعید بن عاص که در ذات عیّز، مروان بن حکم و یارانش را می‌بیند،

نخستین بار شیخ ابو منصور حسن حلی به لقب آیه الله علامه حلی ملقب گردید. در عصر صفوی علمای طراز اول به شیخ الاسلام و صدرالصدور و ملاباشی ملقب می‌گردیدند.

القاب و عناوین حوزویان در عصر حاضر عبارتند از: (۱) فاضل، لقب کسی که مرحله مقدمات خود را با موفقیت به پایان رسانیده است؛ (۲) ثقة الاسلام به طلابی گفته می‌شود که مرحله سطح فقه و اصول را با موفقیت به پایان رسانیده و مشغول تدریس دوره مقدمات باشند؛ (۳) حجة الاسلام، بر شاگردانی اطلاق می‌گردد که مشغول گذراندن دوره خارج فقه و اصول هستند و سطوح را برای دیگر شاگردان تدریس می‌کنند؛ (۴) حجة الاسلام و المسلمین، از عناوین تفخیمی برای علمائی است که دوره خارج و فقه و اصول را به پایان رسانده و به درجه اجتهاد نائل گشته‌اند؛ (۵) آیت الله، از عناوینی که حوزویان به مقامات عالی اجتهادی روحانیت خطاب می‌کنند که دارای صلاحیت فتوا و رهبری هستند و همچنین در یکی از حوزه‌های شیعی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته باشند. اگرچه دارای رساله عملیه نباشند؛ (۶) آیت الله العظمی، از القاب تفخیمی است که شیعیان و حوزویان جهان به مقامات عالی روحانیت طراز اول خود که دارای رتبه اجتهاد و صلاحیت فتوا و رهبری می‌باشند و مردم آنها را به مرجعیت تقلید انتخاب کرده‌اند و صاحب رساله عملیه نیز هستند داده‌اند. آنها در یکی از حوزه‌های علمیه بزرگ شیعه مانند قم، کربلا، نجف، مشهد و اصفهان و ... به تدریس خارج و تربیت طلاب و نظارت بر حوزه می‌پردازند.

منابع: قرآن؛ دایرة المعارف فارسی، ۱۶۲۸/۲؛ فرم‌نگ معین، ۲۲۰۱؛ قاموس قرآن، ۲۲۶/۴؛ درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت، علم الهدی، صفحات مختلف؛ اصول کافی، ۳۲/۱، روایت ۲؛ دایرة المعارف تشیع، ۲۴۰/۱ و ۵۴۹/۳ - ۵۷۷.

طلحه بن عبدالله، مکنی به ابومحمد (م ۳۶ ق)، از کبار صحابه رسول الله (ص)، از سابقین در اسلام از قبیله قریش، تیره تیم و نوه عموی ابوبکر. سیره نویسان درباره‌اش آورده‌اند: وی جزو پنج تنی بود که به دست ابوبکر اسلام آورد و از جمله هشت تن پیشگام در اسلام بود. همچنین از خطیبان و شجاعان عرب، از عشره مبشره نزد اهل سنت و از اصحاب شورای شش نفره خلافت برگزیده از سوی خلیفه دوم و نیز از معدود کسانی که در هنگام انتشار اسلام، سواد نوشتن داشته‌اند، می‌باشد. طلحه با هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه به او پیوست. در غزوه بدر که به تجسس کاروان قریش رفته و ناچار حضور نداشت. در غزوه اُحُد زمانی که مسلمانان شکست خورده و متواری شدند تنها او و کسانی چون علی (ع) و